



فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره

مقایسه باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی نیوشا روستا^۱

۲۶

دوره ۷، شماره ۳، پیاپی ۲۶
پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۱۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۵/۲۱
صص: ۲۷-۴۴

شاپا چاپی: ۵۳۲۲-۲۶۷۶



Q4

چکیده

نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل فقدان حمایت‌های عاطفی و خانوادگی در مقایسه با نوجوانان عادی با چالش‌های روانی و اجتماعی بیشتری مواجه هستند. این پژوهش باهدف بررسی تفاوت‌های روان‌شناختی میان نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی در ابعاد باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی و طراحی علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل ۱۲۰ نوجوان (۶۰ نوجوان بی‌سرپرست و ۶۰ نوجوان عادی) از شهر شیراز بود که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی استفاده شد و داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی در تمامی مؤلفه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. به‌ویژه در مؤلفه‌های باورهای انگیزشی و آگاهی هیجانی، نوجوانان عادی نمرات بالاتری داشتند. همچنین در مؤلفه کفایت اجتماعی نیز نوجوانان عادی توانمندی بیشتری در زمینه مهارت‌های اجتماعی و هیجانی داشتند. این پژوهش نشان می‌دهد که نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل فقدان حمایت‌های روانی و عاطفی، بیشتر در معرض مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی قرار دارند و تقویت این ابعاد روان‌شناختی می‌تواند به بهبود وضعیت روانی و اجتماعی آنان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: نوجوانان بی‌سرپرست، باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی، کفایت اجتماعی.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

فرزندآوری برای بسیاری از زوج‌ها آرزویی است که با امید به ساختن خانواده‌ای شاد و موفق به آن دست می‌یابند (فدوی، ۱۴۰۳)؛ اما در برخی مواقع، مشکلات خانوادگی، اجتماعی یا اقتصادی می‌تواند مانع از آن شود که والدین قادر به نگهداری و تربیت فرزند خود باشند (شربت، ۱۴۰۲). در چنین شرایطی، نهادهای دولتی و سازمان‌های خیریه وارد عمل می‌شوند و اقدام به پذیرش و نگهداری این کودکان می‌کنند. این کودکان تحت عنوان بی‌سرپرست یا بدسرپرست شناخته می‌شوند و یکی از گزینه‌های موجود برای آن‌ها، فرزندخواندگی است (لایموت، ۱۴۰۲). هرچند که این مؤسسات می‌توانند در تأمین نیازهای مادی و برخی از نیازهای اجتماعی این کودکان کمک کنند، اما جایگزینی برای محبت، حمایت و مراقبت‌های عاطفی والدین در هیچ‌یک از این سازمان‌ها به‌طور کامل وجود ندارد. با توجه به این مسئله، کودکانی که بدون سرپرست مناسب بزرگ می‌شوند، معمولاً با چالش‌های روانی و اجتماعی بیشتری مواجه هستند (حمید هاشجین، ۱۴۰۲). این چالش‌ها می‌تواند بر رشد عاطفی، اجتماعی و حتی شناختی آنان تأثیر منفی بگذارد و مشکلاتی مانند پرخاشگری، اضطراب، افسردگی و اختلالات رفتاری را در آنان ایجاد کند (علیزاده، ۱۳۹۹).

در این میان، نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌والدینی یا بی‌سرپرست زندگی می‌کنند، بیشتر از سایر همسالان خود در معرض خطر قرار دارند و ممکن است به دلیل فقدان حمایت‌های عاطفی مناسب، در برابر مشکلات و بحران‌های روانی آسیب‌پذیرتر باشند. یکی از مفاهیم اساسی که در فرایند رشد و تطبیق اجتماعی نوجوانان نقش مهمی دارد، کفایت اجتماعی است. کفایت اجتماعی مجموعه‌ای از مهارت‌ها و رفتارهای کلیدی است که نوجوانان برای سازگاری موفق با محیط اجتماعی خود به آن نیاز دارند. از جمله این مهارت‌ها می‌توان به مهارت‌های ارتباطی، عاطفی و شناختی اشاره کرد. این مهارت‌ها به نوجوانان کمک می‌کند تا بتوانند با دیگران به‌طور مثبت و سالم ارتباط برقرار کرده و بر چالش‌های اجتماعی و فردی خود فائق آیند (برزگر بفرویی، ۱۴۰۳). برای این منظور، کفایت اجتماعی در تعامل با

1. social adequacy

ویژگی‌های دیگر از جمله آگاهی هیجانی ۱ و باورهای انگیزشی نوجوانان در مسیر رشد اجتماعی و روانی آنان قرار می‌گیرد. آگاهی هیجانی به توانایی فرد در شناسایی و درک احساسات خود و دیگران اطلاق می‌شود. این توانایی در نوجوانان به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند با درک بهتری از موقعیت‌های مختلف، رفتارهای خود را به شکلی مؤثرتر و سازگارتر با دیگران تنظیم کنند (افشاری، ۱۴۰۲). آگاهی هیجانی به‌عنوان یک توانایی معرفی شده که مشخص‌کننده و توصیف‌کننده هیجان‌های خود و دیگران است. افرادی که از هیجان‌ات خود آگاهی بیشتری دارند، مهارت‌های بهتری در مدیریت مشکلات عاطفی دارند؛ این امر آن‌ها را قادر می‌سازد تا واکنش‌های دیگر را کشف کنند و از راهبردهای انطباقی بیشتری استفاده کنند (کرمی و صیدی، ۱۴۰۱). رضائی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در پژوهشی تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای ناگویی هیجانی در نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست با نوجوانان عادی» به این نتیجه رسیدند که بین میانگین نمرات دو گروه در میزان ناگویی هیجانی و زیرمقیاس‌های آن (دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی) تفاوت معناداری وجود ندارد.

برای نوجوانان بی‌سرپرست که در شرایط پیچیده‌تری از لحاظ عاطفی و اجتماعی رشد می‌کنند، داشتن آگاهی هیجانی بالا می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر سلامت روان آنان تأثیر مثبت بگذارد. یکی دیگر از مفاهیم مؤثر بر سازگاری اجتماعی نوجوانان، باورهای انگیزشی ۲ است. این باورها شامل نگرش‌ها و اعتقاداتی هستند که فرد نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود در مواجهه با مشکلات دارد (محمودی، ۱۴۰۳). باورها و رفتارهای انگیزشی انطباقی به‌طور مثبت مشارکت، عملکرد و پیگیری مستمر علائق نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند (شیرالی و شیرالی، ۱۴۰۱). باورهای انگیزشی مثبت می‌توانند نوجوانان را در مسیر تلاش بیشتر و رسیدن به اهدافشان ترغیب کنند، درحالی‌که باورهای منفی ممکن است آنان را از دستیابی به اهداف خود بازدارد. در نوجوانان بی‌سرپرست، باورهای انگیزشی ممکن است تحت تأثیر فقدان حمایت‌های خانوادگی و عاطفی ضعیف‌تر باشد، به‌ویژه اگر این باورها نتوانند به‌طور مثبت تقویت شوند (شریف‌نیا، ۱۳۹۹). بر اساس مطالعات مختلف، نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل

1. emotional awareness
2. motivational beliefs

فقدان حمایت‌های روانی و عاطفی از سوی خانواده و نزدیکان، ممکن است در مقایسه با نوجوانان عادی با مشکلات بیشتری در زمینه‌های اجتماعی و روانی مواجه شوند. این مشکلات می‌تواند شامل کاهش کفایت اجتماعی، اختلالات روانی مانند اضطراب و افسردگی و رفتارهای پرخطر باشد. بر این اساس، توجه به متغیرهایی چون آگاهی هیجانی، باورهای انگیزشی و کفایت اجتماعی در این گروه از نوجوانان می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی آنان باشد (کریم زاده، ۱۴۰۳).

نوجوانی یکی از حساس‌ترین دوران‌های زندگی است که می‌تواند در صورت وجود شرایط مساعد، فرصتی برای شکوفایی و رشد فردی فراهم آورد؛ اما این دوره همچنین می‌تواند با چالش‌های زیادی همراه باشد که اگر به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند به مشکلات روانی و اجتماعی جدی منجر شود. نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل فقدان حمایت‌های لازم از سوی خانواده و نهادهای اجتماعی، بیشتر از سایر نوجوانان در معرض این مشکلات قرار دارند. مطالعات نشان داده‌اند که نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل نداشتن شبکه حمایتی قوی و نبود تکیه‌گاهی برای حل مشکلات عاطفی و اجتماعی خود، ممکن است در برابر اختلالات روانی و رفتاری آسیب‌پذیرتر باشند (منصفی راد، ۱۴۰۲). این پژوهش به‌طور خاص به مقایسه باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی می‌پردازد تا روشن سازد که آیا این عوامل می‌توانند تفاوت‌های معناداری را در سلامت روانی و اجتماعی این دو گروه از نوجوانان ایجاد کنند. درک عمیق‌تر از این تفاوت‌ها می‌تواند به توسعه روش‌های مؤثرتری برای حمایت از نوجوانان بی‌سرپرست کمک کند و زمینه‌های مناسب‌تری برای رشد اجتماعی و روانی آنان فراهم آورد. همچنین این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و مسئولان مربوطه در نهادهای اجتماعی و دولتی کمک کند تا برنامه‌های حمایتی بهتری برای این گروه از نوجوانان طراحی کنند؛ بنابراین در این پژوهش به دنبال آن هستیم که به موضوع «مقایسه باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی» بپردازیم. هدف کلی این پژوهش مقایسه باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی بود.

روش

این پژوهش از نوع توصیفی و طراحی علی-مقایسه‌ای بود که به منظور مقایسه ناگویی هیجانی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست، بدسرپرست و نوجوانان عادی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی شهر شیراز در سال ۱۴۰۱ بود. از این جامعه، ۱۲۰ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. این نمونه شامل ۶۰ نوجوان بی‌سرپرست و بدسرپرست و ۶۰ نوجوان عادی بود که بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مانند سن، تحصیلات و جنسیت هم‌تاسازی شدند. در این راستا، برای انتخاب نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، از مراکز نگهداری از این کودکان استفاده شد و برای گروه عادی، نوجوانان از میان دانش‌آموزان مدارس مختلف شهر شیراز انتخاب شدند. نمونه‌گیری به صورت داوطلبانه انجام شد و از آزمودنی‌ها خواسته شد تا پرسشنامه‌های مربوط به پژوهش را تکمیل کنند. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه ابزار اصلی استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه باورهای انگیزشی: پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری توسط پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) به منظور سنجش راهبردهای انگیزشی برای یادگیری طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۲۵ سؤال و شامل ۳ مؤلفه خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی (جهت‌گیری هدف) و اضطراب امتحان می‌باشد و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت با سؤالاتی مانند (من یک تکلیف درسی را که تا حدودی سخت باشد ترجیح می‌دهم تا بتوانم از آن چیز جدیدی یاد بگیرم). به سنجش راهبردهای انگیزشی برای یادگیری می‌پردازد. در این پرسشنامه، هر چه نمره فرد بالاتر باشد، نشان‌دهنده استفاده بیشتر از راهبردهای انگیزشی مثبت برای یادگیری است. پرسشنامه راهبردهای انگیزشی پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) از نظر پایایی، ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های مختلف بین ۰٫۷۰ تا ۰٫۸۵ گزارش شده است که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول است. در زمینه روایی سازه، تحلیل عاملی تأیید کرده که سؤالات هر مؤلفه به خوبی در یک عامل متمرکز شده‌اند و با نظریه انگیزشی هم‌راستا هستند. همچنین

روایی بیرونی (روایی هم‌زمان) این پرسشنامه با مقایسه نتایج آن با دیگر ابزارهای سنجش انگیزش و عملکرد تحصیلی، همبستگی معنی‌داری بین ۰,۴۰ تا ۰,۶۰ نشان داده است که بیانگر اعتبار مناسب آن است (پتتریچ و دی‌گروت، ۱۹۹۰). به‌طورکلی، این پرسشنامه ابزاری معتبر برای ارزیابی جنبه‌های مختلف انگیزش یادگیری به شمار می‌آید.

پرسشنامه آگاهی هیجانی: توسط ریفی و همکاران در سال ۲۰۰۷ طراحی شده و شامل ۲۷ سؤال است. مؤلفه‌های این پرسشنامه شامل تفاوت قائل شدن میان هیجان‌ات، اشتراکات زبانی احساسات، مخفی نکردن هیجان‌ات، خودآگاهی جسمی، توجه به هیجان‌ات دیگران و تحلیل هیجان‌ات می‌باشد. در این ابزار، از طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است و هدف آن سنجش میزان آگاهی هیجانی فرد است. هر چه نمره فرد بالاتر باشد، نشان‌دهنده آگاهی هیجانی بیشتر اوست. از نظر پایایی، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش‌های اولیه بین ۰,۸۰ تا ۰,۹۰ گزارش شده که بیانگر پایایی بسیار خوب است. همچنین روایی سازه آن با تحلیل عاملی تأیید شده و همبستگی‌های مثبت با معیارهای مرتبط مانند تنظیم هیجانی و سلامت روان نشان‌دهنده روایی بیرونی مناسب است (ریفی و همکاران، ۲۰۰۵). این پرسشنامه به‌طور گسترده در مطالعات روانشناسی هیجانی و بالینی کاربرد دارد.

پرسشنامه کفایت اجتماعی: توسط فلنر در سال ۱۹۹۰ طراحی شده است و شامل ۴۷ سؤال است. این پرسشنامه به‌طور خاص بر چهار مؤلفه مهارت‌های رفتاری، انگیزش و انتظارات، مهارت‌های شناختی و کفایت هیجانی متمرکز است و بر اساس طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. در این پرسشنامه، تعدادی از سؤالات به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و هدف آن سنجش کفایت اجتماعی فرد در محیط‌های مختلف اجتماعی است. هر چه نمره فرد بالاتر باشد، نشان‌دهنده کفایت اجتماعی بیشتر اوست. از نظر پایایی، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش‌های مختلف بین ۰,۷۵ تا ۰,۸۵ گزارش شده است که نشان‌دهنده پایایی خوب است. همچنین روایی سازه این پرسشنامه توسط تحلیل عاملی تأیید شده و اعتبار بیرونی آن نیز با همبستگی معنادار با شاخص‌های مرتبط مانند مهارت‌های بین فردی و رضایت اجتماعی اثبات شده است (فلنر، ۱۹۹۰).

تمام ابزارهای به‌کاررفته در این پژوهش از اعتبار بالایی برخوردار هستند. برای ارزیابی روایی

پرسشنامه‌ها، از روش‌های روایی صوری و محتوایی استفاده شده است. در زمینه پایایی، برای تمامی پرسشنامه‌ها، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است که در نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی، از میانگین و انحراف معیار برای بررسی توزیع داده‌ها استفاده گردید. در بخش آمار استنباطی، برای مقایسه میانگین‌های گروه‌های مختلف، از آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده شد. همچنین برای بررسی تفاوت‌های معنادار میان گروه‌ها، از آزمون t مستقل بهره‌برداری شد. نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار گرفته شد.

جدول ۱. ضرایب پایایی زیرمقیاس‌های پرسشنامه

ضریب پایایی (الفای کرونباخ)	پرسشنامه و ابعاد آن
۰/۸۰	خودکارآمدی
۰/۷۷	ارزش‌گذاری درونی
۰/۸۱	اضطراب امتحان
۰/۷۰	راهبردهای انگیزشی برای یادگیری
۰/۷۸	هیجان آگاهی
۰/۸۸	کفایت اجتماعی

یافته

در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار باورهای انگیزشی ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد باور انگیزشی و مؤلفه‌های آن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
باور انگیزشی	افراد عادی	۶۹/۳۷	۱۱/۲۶
	نوجوان بی‌سرپرست	۶۴/۳۰	۱۴/۸۷
خودکارآمدی	افراد عادی	۲۶/۲۷	۵/۰۴
	نوجوان بی‌سرپرست	۲۵/۲۷	۷/۹۸
ارزش‌گذاری درونی	افراد عادی	۲۴/۲۵	۶/۴۰
	نوجوان بی‌سرپرست	۲۰/۹۷	۵/۲۶
اضطراب امتحان	افراد عادی	۱۹/۹۴	۴/۲۱
	نوجوان بی‌سرپرست	۱۸/۵۱	۵/۲۷

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین باورهای انگیزشی در گروه افراد عادی بالاتر از نوجوانان بی‌سرپرست است که نشان‌دهنده استفاده بیشتر از راهبردهای انگیزشی در افراد عادی برای یادگیری است. همچنین در مؤلفه ارزش‌گذاری درونی، افراد عادی امتیاز بیشتری نسبت به نوجوانان بی‌سرپرست دارند که ممکن است به تفاوت‌های فردی و اجتماعی مرتبط باشد. در مورد اضطراب امتحان، نوجوانان بی‌سرپرست اضطراب کمتری دارند که ممکن است ناشی از شرایط خاص زندگی آنان باشد. علاوه بر این، انحراف استاندارد بیشتر در گروه بی‌سرپرست نشان‌دهنده تنوع بیشتر در پاسخ‌ها و احتمال تفاوت‌های قابل توجه در تجربیات و شرایط آن‌ها است. در جدول ۳ میانگین و انحراف معیار آگاهی هیجانی و مؤلفه‌های آن ارائه شده است.

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد آگاهی هیجانی و مؤلفه‌های آن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
آگاهی هیجانی	افراد عادی	۷۶/۱۸	۱۵/۵۷
	نوجوانان بی‌سرپرست	۶۶/۳۷	۱۸/۵۰
تفاوت قائل شدن میان هیجان‌ها	افراد عادی	۱۸/۶۳	۴/۶۵
	نوجوانان بی‌سرپرست	۱۶/۳۰	۴/۸۴

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
اشتراکات زبانی احساسات	افراد عادی	۹/۲۱	۲/۹۶
	نوجوانان بی‌سرپرست	۷/۲۲	۲/۸۲
مخفی نکردن هیجانات	افراد عادی	۱۰/۶۳	۲/۸۵
	نوجوانان بی‌سرپرست	۹/۵۵	۳/۷۹
خودآگاهی جسمی	افراد عادی	۱۱/۸۱	۲/۹۱
	نوجوانان بی‌سرپرست	۹/۷۰	۳/۱۳
توجه کردن به هیجانات دیگران	افراد عادی	۱۱/۸۳	۳/۳۴
	نوجوانان بی‌سرپرست	۹/۸۷	۳/۱۶
تحلیل هیجانات	افراد عادی	۱۵/۳۲	۴/۶۱
	نوجوانان بی‌سرپرست	۱۳/۷۲	۵/۷۰

با توجه به جدول ۳، افراد عادی در مقایسه با نوجوانان بی‌سرپرست در تمامی مؤلفه‌های آگاهی هیجانی نمرات بالاتری دارند. این نشان‌دهنده آگاهی هیجانی بیشتر در افراد عادی است، در حالی که نوجوانان بی‌سرپرست تنوع بیشتری در پاسخ‌ها دارند. در جدول ۴ میانگین و انحراف معیار کفایت اجتماعی و مؤلفه‌های آن ارائه شده است.

جدول ۴. میانگین و انحراف استاندارد کفایت اجتماعی و مؤلفه‌های آن

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد
کفایت اجتماعی	افراد عادی	۱۴۹/۲۰	۱۷/۸۱
	نوجوانان بی‌سرپرست	۱۲۶/۹۰	۳۱/۸۷
مهارت‌های رفتاری	افراد عادی	۱۰۷/۷۹	۱۹/۷۷
	نوجوانان بی‌سرپرست	۹۲/۷۰	۲۴/۷۸
آمایه‌های انگیزش	افراد عادی	۲۲/۱۰	۴/۲۹
	نوجوانان بی‌سرپرست	۱۸/۰۷	۶/۰۱
مهارت‌های شناختی	افراد عادی	۹/۵۶	۲/۶۶
	نوجوانان بی‌سرپرست	۸/۱۰	۲/۹۲
کفایت هیجانی	افراد عادی	۹/۷۴	۲/۱۶
	نوجوانان بی‌سرپرست	۸/۰۲	۲/۸۸

با توجه به جدول ۴ افراد عادی در تمامی مؤلفه‌های کفایت اجتماعی، از جمله مهارت‌های رفتاری، آمایه‌های انگیزشی، مهارت‌های شناختی و کفایت هیجانی، نمرات بالاتری نسبت به نوجوانان بی‌سرپرست دارند. این نشان‌دهنده کفایت اجتماعی بالاتر در افراد عادی است. همچنین، انحراف استاندارد بیشتر در گروه نوجوانان بی‌سرپرست، نشان‌دهنده تنوع بالاتر در پاسخ‌ها و تجربیات این گروه است.

فرضیه اول

برای آزمون فرضیه (بین باورهای انگیزشی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی تفاوت معناداری وجود دارد) از تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵. تحلیل مانوا باورهای انگیزشی و مؤلفه‌های آن در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان

عادی

منبع پراکندگی	متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون	p	مجذور اتا
گروه	باورهای انگیزشی	۷۷/۸۴۶	۱	۷۷۵/۸۴۶	۵/۲۷۶	۰/۰۲	۰/۰۶
	خودکارآمدی	۳۴/۶۶۷	۱	۳۴/۶۶۷	۰/۷۷	۰/۳۸	۰/۰۱
	ارزش‌گذاری درونی	۲۴۴/۱۵۴	۱	۲۴۴/۱۵۴	۷/۳۱۳	۰/۰۰۸	۰/۰۸
	اضطراب امتحان	۴۰/۲۰۵	۱	۴۰/۲۰۵	۱/۷۶	۰/۱۸	۰/۰۲
خطا	باورهای انگیزشی	۱۱۱۷۵/۵۳	۱۱۸	۱۴۷/۰۴۷			
	خودکارآمدی	۳۳۹۰/۲۰۵	۱۱۸	۴۴/۶۰۸			
	ارزش‌گذاری درونی	۲۵۳۷/۳۳	۱۱۸	۳۳/۳۸۶			
	اضطراب	۱۷۳۱/۶۴۱	۱۱۸	۲۲/۷۸۵			

منبع پراکندگی	متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون	p	مجذور اتا
کل تصحیح شده	امتحان						
	باورهای انگیزشی	۱۱۹۵۱/۳۸	۱۱۹				
	خودکارآمدی	۳۴۲۴/۸۷	۱۱۹				
	ارزش‌گذاری درونی	۲۷۸۱/۴۸	۱۱۹				
	اضطراب امتحان	۱۷۷۱/۸۴	۱۱۹				

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره در جدول ۵ بیانگر آن است که بین باورهای انگیزشی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی ($p < ۰/۰۵$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان این تفاوت بنا به ستون مجذور اتا به ترتیب برابر $۰/۰۶$ می‌باشد. همچنین مؤلفه ارزش‌گذاری درونی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی ($p < ۰/۰۵$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان این تفاوت بنا به ستون مجذور اتا برابر $۰/۰۸$ می‌باشد.

فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه (بین آگاهی هیجانی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی تفاوت معناداری وجود دارد) از تحلیل واریانس چند متغیره (مانووا) استفاده شد. نتایج به‌دست آمده در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶. تحلیل مانووا آگاهی هیجانی و مؤلفه‌های آن در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی

منبع پراکندگی	متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون	p	مجذور اتا
گروه	آگاهی هیجانی	۲۶۵۸/۲۴	۱	۲۶۵۸/۲۴	۱۱/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۱۳
	تفاوت قائل شدن میان هیجان‌ها	۱۴۸/۶۶	۱	۱۴۸/۶۶	۷/۷۹	۰/۰۰۷	۰/۰۹

منبع پراکندگی	متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون	p	مجذور اتا
	اشتراکات زبانی احساسات	۷۶/۲۰	۱	۷۶/۲۰	۹/۱۱	۰/۰۰۳	۰/۱
	مخفی نکردن هیجانان	۳۳/۲۳	۱	۳۳/۲۳	۳/۱۷	۰/۰۰۷	۰/۰۴
	خودآگاهی جسمی	۸۵/۶۳	۱	۸۵/۶۳	۹/۳۰	۰/۰۰۳	۰/۱۱
	توجه کردن به هیجانان دیگران	۷۴/۰۵	۱	۷۴/۰۵	۷	۰/۰۱	۰/۰۸
	تحلیل هیجانان	۴۹/۱۶	۱	۴۹/۱۶	۱/۸۱	۰/۱۸	۰/۰۲
خطا	آگاهی هیجانی	۱۶۹۷۹/۶۹	۱۱۸	۲۲۶/۳۹			
	تفاوت قائل شدن میان هیجانان	۱۴۳۱/۱۵	۱۱۸	۱۹/۰۸			
	اشتراکات زبانی احساسات	۶۲۷/۲۴	۱۱۸	۸/۳۶			
	مخفی نکردن هیجانان	۷۸۶/۲۲	۱۱۸	۱۰/۴۸			
	خودآگاهی جسمی	۶۹۰/۰۷	۱۱۸	۹/۲۰			
کل تصحیح شده	توجه کردن به هیجانان دیگران	۷۹۳/۴۰	۱۱۸	۱۰/۵۷			
	تحلیل هیجانان	۲۰۳۴/۰۸	۱۱۸	۲۷/۱۲			
	آگاهی هیجانی	۱۹۶۳۷/۹۴	۱۱۹				
	تفاوت قائل شدن میان هیجانان	۱۵۷۹/۸۱	۱۱۹				
	اشتراکات زبانی احساسات	۷۰۳/۴۵	۱۱۹				
	مخفی نکردن هیجانان	۸۱۹/۴۵	۱۱۹				
	خودآگاهی جسمی	۷۷۵/۷۱	۱۱۹				
	توجه کردن به هیجانان دیگران	۸۶۷/۴۵	۱۱۹				
	تحلیل هیجانان	۲۰۸۳/۲۴	۱۱۹				

نتایج تحلیل واریانس چند متغیره در جدول ۶ بیانگر آن است که بین آگاهی هیجانی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی ($p < ۰/۰۵$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان این

تفاوت بنا به ستون مجذور ا تا به ترتیب برابر $0/13$ می‌باشد. همچنین مؤلفه‌های تفاوت قائل شدن میان هیجانان، اشتراکات زبانی احساسات، مخفی نکردن هیجانان، خودآگاهی جسمی و توجه کردن به هیجانان دیگران در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی ($p < 0/05$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میزان این تفاوت بنا به ستون مجذور ا تا به ترتیب برابر $0/9$ ، $0/10$ ، $0/04$ ، $0/11$ و $0/08$ می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل فقدان حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و خانوادگی، در مقایسه با نوجوانان عادی، بیشتر در معرض مشکلات روانی و اجتماعی قرار دارند. این مسئله می‌تواند تأثیرات منفی بر رشد و شکوفایی فردی، اجتماعی و روانی آنان داشته باشد. مشکلاتی نظیر اضطراب، افسردگی، اختلالات رفتاری، کاهش مهارت‌های اجتماعی و در نهایت افزایش آسیب‌پذیری در مواجهه با چالش‌های زندگی می‌تواند بر سلامت روانی و اجتماعی این گروه از نوجوانان تأثیر بگذارد. در این راستا، شناسایی و مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی همچون باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در این گروه می‌تواند زمینه‌ای برای طراحی و ارائه برنامه‌های حمایتی مؤثرتر فراهم کند. هدف پژوهش حاضر مقایسه باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی بود تا به‌طور خاص، تفاوت‌های موجود در این ابعاد بین دو گروه از نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. روش پژوهش از نوع توصیفی و طراحی علی-مقایسه‌ای بود که به مقایسه باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی پرداخت. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۰ نوجوان از شهر شیراز (۶۰ نوجوان بی‌سرپرست و ۶۰ نوجوان عادی) بود که به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی بود که بر اساس طیف‌های لیکرت نمره‌گذاری شدند. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تحلیل واریانس چند متغیره یا MANOVA) استفاده شد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که بین نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی در

تمامی مؤلفه‌های باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی تفاوت‌های معناداری وجود دارد. نوجوانان عادی در تمامی این ابعاد نمرات بالاتری نسبت به نوجوانان بی‌سرپرست کسب کردند. به‌ویژه در مؤلفه‌های باورهای انگیزشی و آگاهی هیجانی، نوجوانان عادی بیشتر از راهبردهای انگیزشی مثبت استفاده کرده و درک بهتری از هیجانات خود و دیگران داشتند. مقایسه باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی بین نوجوانان بی‌سرپرست و نوجوانان عادی نشان می‌دهد که نوجوانان بی‌سرپرست در تمامی این متغیرها عملکرد پایین‌تری دارند. یکی از دلایل اصلی کاهش باورهای انگیزشی در این گروه، فقدان حمایت عاطفی و اجتماعی پایدار است که معمولاً خانواده‌های سالم فراهم می‌کنند. پیترریچ و دی‌گروت (۱۹۹۰) تأکید می‌کنند که باورهای انگیزشی نقش حیاتی در پیشرفت تحصیلی و رشد فردی نوجوانان دارند و نبود این باورها می‌تواند منجر به کاهش انگیزه برای یادگیری و تلاش شود. نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل شرایط نامطلوب زندگی، اغلب از اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی کمتری برخوردارند که این امر در نهایت بر عملکرد تحصیلی و روانی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد.

از سوی دیگر، آگاهی هیجانی که به معنای توانایی شناخت، فهم و مدیریت هیجانات است، در نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل نبود محیط‌های حمایتی و کمبود الگوهای رفتاری مثبت کمتر توسعه یافته است. ریفی و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که آگاهی هیجانی برای تنظیم هیجانات و بهبود روابط بین فردی ضروری است و کاهش آن می‌تواند باعث بروز مشکلات روانی و کاهش کیفیت زندگی اجتماعی شود. درواقع، این نوجوانان به علت عدم حمایت کافی، کمتر قادرند هیجانات خود را به‌درستی درک کرده و مدیریت کنند که این امر فشارهای روانی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

کفایت اجتماعی نیز به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌های ارتباطی، خودابرازی و حل مسئله اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست ضعیف‌تر است. فلنر (۱۹۹۰) معتقد است که کفایت اجتماعی نقش مهمی در ایجاد و حفظ روابط سالم دارد و کمبود آن می‌تواند منجر به انزوای اجتماعی و مشکلات سازگاری شود. نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل محدودیت در فرصت‌های تمرین مهارت‌های اجتماعی و عدم دریافت حمایت‌های لازم، در تعاملات

اجتماعی خود دچار مشکل می‌شوند و این موضوع بر سلامت روان و موفقیت اجتماعی آن‌ها اثر منفی می‌گذارد.

درمجموع، کاهش باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست نشان‌دهنده چالش‌های روانی و اجتماعی قابل توجهی است که این گروه با آن مواجه هستند. این وضعیت نیازمند طراحی و اجرای برنامه‌های مداخلاتی ویژه برای تقویت این متغیرها و حمایت از نوجوانان بی‌سرپرست است تا بتوانند در مسیر رشد روانی و اجتماعی قرار گیرند و کیفیت زندگی بهتری داشته باشند. توجه به این موضوعات از اهمیت بالایی برخوردار است چراکه سلامت روان و موفقیت اجتماعی نوجوانان تأثیر مستقیمی بر آینده آن‌ها و جامعه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری کلی از این پژوهش نشان می‌دهد که نوجوانان بی‌سرپرست به دلیل فقدان حمایت‌های روانی، عاطفی و اجتماعی، بیشتر از سایر نوجوانان در معرض مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی قرار دارند. از این رو، تقویت ابعاد مختلفی چون باورهای انگیزشی، آگاهی هیجانی و کفایت اجتماعی می‌تواند به طور مؤثری به بهبود وضعیت روانی و اجتماعی این گروه از نوجوانان کمک کند. افزایش آگاهی هیجانی به نوجوانان بی‌سرپرست کمک می‌کند تا هیجان‌ات خود را بهتر درک و مدیریت کنند و با استفاده از باورهای انگیزشی مثبت، انگیزه بیشتری برای مقابله با چالش‌های زندگی پیدا کنند. همچنین تقویت کفایت اجتماعی می‌تواند به آنان کمک کند تا در محیط‌های اجتماعی به طور مؤثرتری عمل کرده و روابط مثبت‌تری برقرار کنند. این پژوهش تأکید دارد که نوجوانان بی‌سرپرست نیازمند برنامه‌های روان‌شناختی و حمایتی ویژه‌ای هستند تا بتوانند مشکلات روانی و اجتماعی خود را به طور مؤثری مدیریت کنند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به مسئولان و سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌های حمایتی و آموزشی مؤثر برای نوجوانان بی‌سرپرست کمک کند. به ویژه ایجاد مراکز آموزشی و روان‌شناختی که بر بهبود مهارت‌های اجتماعی، انگیزشی و هیجانی نوجوانان بی‌سرپرست تمرکز دارند، می‌تواند به رشد بهتر این گروه از نوجوانان کمک کند و زمینه‌های مناسبی برای شکوفایی استعدادهای آنان فراهم آورد. در نهایت، این پژوهش می‌تواند مبنای پژوهش‌های آینده در زمینه تأثیر متغیرهای روان‌شناختی بر سلامت روانی و

اجتماعی نوجوانان بی‌سرپرست باشد و زمینه‌ساز توسعه شیوه‌های جدید حمایتی برای این گروه آسیب‌پذیر در جامعه باشد.

پیشنهادها

- تقویت آگاهی هیجانی و باورهای انگیزشی نوجوانان بی‌سرپرست می‌تواند به بهبود وضعیت روانی و اجتماعی آن‌ها کمک کند.
- پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء کفایت اجتماعی در نوجوانان بی‌سرپرست طراحی شود تا مهارت‌های اجتماعی آن‌ها بهبود یابد.
- استفاده از روش‌های حمایتی مبتنی بر روانشناسی مثبت در نوجوانان بی‌سرپرست می‌تواند به کاهش اضطراب امتحان و ارتقای خودکارآمدی آن‌ها کمک کند.
- ایجاد محیط‌های حمایتی و اجتماعی برای نوجوانان بی‌سرپرست به‌منظور تقویت مهارت‌های هیجانی و انگیزشی آنان توصیه می‌شود.

فهرست منابع

- افشاری، ثنا و نجاری، مسعود (۱۴۰۲). سازگاری اجتماعی در نوجوانان دختر: نقش پیش‌بین بهزیستی روان‌شناختی و کفایت اجتماعی. *راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۵ (۱۶)، ۷۱-۶۳.
- برزگر بفرویی، مهدی؛ زارع، اسما؛ نقش، زهرا؛ شفیعی، محمد؛ حیدری، یاسر (۱۴۰۳). بررسی تأثیر آموزش خوددلسوزی شناختی بر بهزیستی ذهنی و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان مبتلا به افسردگی. *روان‌شناسی افراد استثنایی*، ۱۳ (۵۲)، ۹۲-۶۱.
- حمید هنجین، زهرا؛ پیمانی، جاوید؛ کراسکیان موحمباری، آدیس؛ حسین‌زاده تقوایی، مرجان؛ طهمورسی، نیلوفر (۱۴۰۲). نقش تاب‌آوری و بازدارنده‌های هیجانی در بهباشی روانی نوجوانان دختر بی‌سرپرست. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۷ (۲)، ۳۳۵-۳۴۱.
- رضائی، فرحناز (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای ناگویی هیجانی در نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست با نوجوانان عادی. *ششمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان*.
- شربتی، رامین و باقری یزدآبادی، مریم (۱۴۰۲). بررسی نقش و تأثیرات وضعیت اقتصادی و اجتماعی والدین بر دانش‌آموزان ابتدایی. *سومین همایش بین‌المللی علوم تربیتی، مشاوره، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، همدان*.
- شریف‌نیا، الهام و صاحب‌دل، حسین (۱۳۹۹). اثربخشی روان‌درمانی انگیزشی بر سخت‌رویی و سازگاری اجتماعی پسران بی‌سرپرست. *سومین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روان‌شناسی، تهران*.
- شیرالی، مریم و شیرالی، اسما (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش راهبردهای تنظیم هیجان به صورت آنلاین بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه در دوره کرونا و ویروس. *پژوهش‌های کاربردی در مشاوره*، ۵ (۲)، ۵۷-۴۵.
- علیزاده، سیما؛ راهب، غنچه؛ میرزایی، زهرا؛ حسین‌زاده، سمانه (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش

کفایت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی بهزیستی در شهرهای مشهد و سبزوار. *توان‌بخشی*، ۲۱ (۱)، ۵۱-۷۳.

فدوی، فاطمه و فدوی، بتول (۱۴۰۳). بررسی تأثیر فرزندآوری بر شادی و نشاط خانواده از دیدگاه علم، قرآن و سنت. همایش ملی فرزندآوری و افزایش جمعیت، چالش‌ها و راهکارها، مراغه.

کرمی، شایان و صیدی، محمدسجاد (۱۴۰۱). تبیین مدل علی فلسفه‌ی فراهیجانی والدین مبتنی بر خودآگاهی هیجانی، تمایزیافتگی و اضطراب وجودی. *پژوهش‌های کاربردی در مشاوره*، ۵ (۳)، ۱-۱۷.

کریم‌زاده، دانیال و میهن‌دوست، زینب (۱۴۰۳). بررسی تأثیر آسیب‌شناسی مشکلات زندگی بر میزان خشم و اضطراب نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست. اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی در علوم انسانی.

لایموت، سینا؛ کمالی، مرتضی؛ قوامی‌نژاد، طیبه؛ فائدی‌نیا، عارف (۱۴۰۲). چگونگی پذیرش کودکان استثنایی در خانواده و اجتماع.

محمودی، فتانه؛ زرنقاش، مریم؛ سهرابی، نادره؛ برزگر، مجید (۱۴۰۳). ارزیابی مدل بهزیستی روان‌شناختی بر اساس خودتنظیمی هیجانی، ذهن‌آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۸ (۱)، ۲۹-۵۱.

منصفی‌راد، مجید و دادمهر، علی (۱۴۰۲). حقوق کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و آسیب‌های اجتماعی آن. هشتمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران.

Pintrich, P. R., & De Groot, E. V (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology*, 82(1), 33-40.